

تشریح مردم

من چهار خواهر دارم. خواهر کلانم معلم است. خواهر خوردم شاگرد است. پدرم معلم است. نام پدرم میرزا است. پدرم شصت و پنج ساله است.

من یک برادر دارم. نام برادرم من مسعود است. مسعود شاگرد است. او هر روز درس میخواند. مسعود یک بچه خوب است. مسعود درس خواندن را خوش دارد.

من یک خاله دارم. نام خاله ام لطیفه است. خاله من در خانه است. خاله من چهار بچه دارد. بچه کلان خاله ام بصیر نام دارد. بچه دیگر خاله ام جمیل نام دارد. جمیل در ایران است. بچه دیگر خاله ام شاولی نام دارد. شاولی در دوی است. بچه خورد خاله ام میرویس نام دارد. میرویس در کابل است.

خاله ام در خانه خودش زندگی میکند. خاله ام در لوگر است. خاله ام زمین دارد. خاله ام اسپ و گاو هم دارد. بچه خاله ام به عربی گپ زده میتواند. خواهر من به زبان روسی گپ زده میتواند. برادر من به زبان فرانسوی گپ زده میتواند. پدرم به زبان انگلیسی گپ زده میتواند. پدرم برای یک سال در امریکا بود. برادرم در فاکولته شاگرد است. او شاگرد صنف چهار است. برادرم در پوهنتون کابل شاگرد است. برادرم خوش دارد تا کتاب بخواند. برادرم موسیقی را خوش دارد. او هر روز به رادیو گوش میکند. برادرم قد بلند دارد. او کالای افغانی میپوشد. برادرم کالای سفید را خوش دارد. این کالا برادرم است. رنگ کالای برادرم سیاه است. این بوت برادرم است. بوت برادرم رنگ سیاه دارد.

خواهرم قد پخچ دارد. خواهرم کالای افغانی را خوش دارد. خواهرم پیراهن آبی و تنبان سفید می پوشد. من یک ما ما دارم. نام ما ما من اختر است. ما ما قد بلند دارد. ما ما در وزارت ساختمانی کار میکند. خانه ما ما در کابل است. ما ما عروسی کرده است. ما ما دو بچه و یک دختر دارد. زن ما ما نسرین نام دارد. نسرین معلم است. ما ما به زبان دری و پشتو گپ میزند.

بچه ما ما حمید نام دارد. حمید نه ساله است. حمید در صنف سوم مکتب است. دختر ما ما فهیمه نام دارد. فهیمه هفت ساله است. فهیمه در صنف اول است. فهیمه کالای افغانی را خوش ندارد. فهیمه پتلون و یخن قاق می پوشد. فهیمه چند جوره بوت دارد. رنگ بوت فهیمه سفید است. فهیمه با گدیهایش بازی میکند. فهیمه چند جوره گدی دارد. بچه دیگر ما ما فهیم نام دارد. فهیم ده ساله است. فهیم در صنف چهار است. او خواندن و نوشتن را در مکتب یاد میگیرد.

فهیم رفیق های زیاد دارد. او هر روز با رفیقهایش توپبازی میکند.

من یک کاکا دارم. نام کاکای من غلام است. غلام قد بلند دارد. غلام چاق است. غلام در وزارت مالیه کار میکند. غلام سه بچه دارد. فرید بچه کلان غلام است. فرید در صنف دوازده است. فرید در هرات زندگی میکند. شبیر نام بچه دیگر غلام است. شبیر پانزده ساله است. شبیر در کابل به مکتب می رود. شبیر خوش دارد که بایسکل بدواند. رحیم بچه خورد کاکایم است. رحیم در صنف شش مکتب است. رحیم فلم ها را بسیار خوش دارد. رحیم هر روز به سینما میرود. رحیم میخواهد در آینده یک داکتر شود.

Describing people

I have four sisters. My oldest sister is a teacher. My younger sister is a teacher. My father is a teacher. My father's name is Mirza. My father is sixty five years old.

I have one brother. My brother's name is Masoud. Masoud is a student. He is studying everyday. Masoud is a good boy. Masoud likes to study.

I have one aunt. My aunt's name is Latifa. My aunt is at home. My aunt has four sons. The oldest son of my aunt is called Basir. My aunts other son is called Jamil. Jamil is in Iran. My aunt's other son is called Shawali. Shawali is in Dubai. My aunt's youngest son is called Mirwais. Mirwais is in Kabul.

My aunt lives in her house. My aunt's house is in Logar. My aunt has land. My aunt has horses and cows too.

My cousin can speak in Arabic. My sister can speak in Russian. My brother can speak in French. My father can speak in English. My father was in the States for one year.

My brother is a student at college. He is a fourth year student. My brother is a student at Kabul University. My brother likes to read books. My brother likes music. He is listening to the radio everyday.

My brother is tall. He is wearing Afghani dress. My brother likes white clothes. These are my brother's clothes. This is my brother's hat. My brother's hat is black.

My sister is short. My sister likes Afghan dress. My sister is wearing a blue shirt and white pants.

I have one uncle. My uncle's name is Akhtar. My uncle is tall. My uncle is working in the ministry of reconstruction. My uncle lives in Kabul. My uncle is married. My uncle has two sons and one daughter. My uncle's wife is called Nasreen. Nasreen is a teacher. My uncle is speaking in Dari and Pashto.

My uncle's son is called Hamid. Hamid is nine years old. Hamid is in the third grade of school. My uncle's daughter is called Fahima. Fahima does not like Afghan dress.

Fahima is wearing a shirt and pants. Fahima has many pairs of shoes. The color of Fahima's shoes is white. Fahima is playing with her dolls.

My uncle's other son is called Fahim. Fahim is ten years old. Fahim is in the fourth grade of school. He is learning to read and write in school. Fahim has many friends. He is playing ball with his friends everyday.

I have one uncle (father's brother). My uncle's name is Ghulam. Ghulam is tall. Ghulam is fat. Ghulam is working in the Ministry of Revenues.

Ghulam has three sons. Farid is Ghulam's oldest son. Farid is in the twelfth grade of school. Farid lives in Herat. Shabir is Ghulam's other son. Shabir is fifteen years old. Shabir goes to school in Kabul. Shabir likes to ride his bike.

Rahim is my uncle's youngest son. Rahim is in the sixth grade of school. Rahim likes movies a lot. Rahim goes to the movies everyday. Rahim wants to become a doctor in the future.